

شش‌شنبه روزنامه شرق

نگاه

نما و منظر به‌منابه زیست انسانی



سیدمحسن هاشمی

نبود زیرساخت حقوقی نما و منظر و نگرش خودرومحور دو تهدید نگاه انسانی به مدیریت شهری به تحقیق هیچ میدانی در تحولات یک‌صدساله اخیر ایران به اندازه میدان بهارستان ناظر کوشش‌های عدالت‌خواهانه و آزادی‌خواهانه ملت ایران نبوده است.

میدان بهارستان، کانون تحولات اجتماعی- سیاسی ایران معاصر و ملجأ مظلومان بوده است. هویت اجتماعی بهارستان پس از تخریب حصار شاه طهماسب صفوی و ساخت حصار ناصری و نیز شکل‌گیری محله دولت، مدرسه سپهسالار و مجلس شورای ملی، مرکز ثقل حضور مردم ایران برای مطالبه حقوقشان شد. این میدان که پیش‌تر فضای جلouxان سه باغ بوده، اینک نیز آغوشش انباشته از سه نسل معماری ایران و خاطرات ریزودرشت تحولات ایران معاصر است.

بهبازی و ساماندهی نما و منظر این میدان هویتی تهران که نقشی فراتر از شهر تهران برعهده داشته، از آبان‌ماه سال گذشته توسط سازمان زیباسازی شهر تهران آغاز شد و اینک در مراحل پایانی کار است. از مجموع ۱۸ بنای اطراف و جزیره میانی این میدان، سیزده‌نما بهسازی و مرمت شده‌اند، سه ساختمان در شرف عملیات بهسازی و دو بنا بدون تغییر با بافتی فرسوده و آلوده به غبار سالیان دست‌نخورده باقی مانده است؛ ساختمان احمدشاهی ضلع شمال‌غربی نیش خیابان صفی‌علیشاه متعلق به بانک مرکزی و ساختمانی به همان قدمت نیش کوچه جورکش. نخستین این بناهای بارزش یعنی ساختمان بانک مرکزی آن‌گونه که مسئولان سازمان زیباسازی می‌گویند، با نگاه تنگ‌نظرانه مدیران پایه بانک مرکزی از گردونه بهسازی خارج شده است و دومین بنای برزمین‌مانده از عملیات بهسازی نما و منظر یعنی ساختمان نیش کوچه جورکش، ساماندهی ندارد و باید توسط شهرداری مشمول مشوق نوسازی برای جلب انگیزه مالک قرار گیرد.

حالا چهارسالگی می‌شود که سازمان زیباسازی شهر تهران مطالعات بهسازی نما و منظر شهری را با اقدام عملی در بهبود کیفی فضای شهری به منصف ظهور رسانده است؛ ساماندهی میدان و خیابان انقلاب، بهسازی خیابان ناصرخسر، ساماندهی میدان منیریه و اینک بهسازی و ساماندهی میدان بهارستان. اما آنچه روند این‌گونه اقدامات بهسازی و بازطراحی فضاهای شهری را تهدید می‌کند، نبود زیرساخت حقوقی نما و منظر شهری و همچنین نگرش سنتی مدیران شهرداری به فعالیت‌های عمرانی است. سازمان زیباسازی شهر تهران اینک در غیاب این زیرساخت حقوقی، یک‌دسته بار سازمان میراث فرهنگی و معاونت شهرسازی شهرداری تهران را بر دوش می‌کشد و هیچ تضمینی نیز برای صیانت از این اقدامات بعمل‌آمده نیست. برای درک بهتر این موضوع به این مطلب باید اشاره کرد که کاربران و مالکان ساختمان‌ها حق تصرف بلامحدودیت خویش را بر ملک، شامل نما و منظر نیز می‌دانند. برهمین اساس با بی‌توجهی به پاکیزگی و آراستگی نما و نیز نصب تابلوهای پیام‌رسان صحنی و اداری در هر ابعاد و در هر محل از جداره نما و بنا و با هر گرافیکی را جزء حقوق متصرفانه و مالکانه خویش می‌پندارند. حال آنکه در جوامع پیشرفته آنچه از نما و منظر در بناها به چشم می‌آید، جزء حقوق شهروندی است و یگانه انتظام‌بخش این عرصه شهرداری به شمار می‌رود و نه نظر و رای مالک یا بهره‌برداران ملک.

آنچه تهران را دشواری بی‌قواره و بدریخت کرده، همانا ناهم‌خوانی بافت (عرض پیکل) و طرح نمای ساختمان‌ها (معمارانه و مصالح) و دیگری عناصر الحاقی مدیریت‌نشده مانند تابلوهای اصناف و ادارات و زوایدی چون سامانه‌های سرمایش و کابل‌های مخابراتی و انتقال برق است. تنظیم، نگارش و تصویب قانون نما و منظر شهری می‌تواند شهروندان و سایر مالکان ابنیه را ملکف به رعایت ضوابطی در راستای صیانت از حقوق نما و منظر شهری کند. و در صورت خودداری (مالک) مالکان از رعایت این ضوابط، شهرداری به‌عنوان یگانه مسئول انتظام‌بخشی نما و منظر حق دارد تا پس از دو ابلاغ با مهلت متعارف، نسبت به اعاده وضعیت مطلوب نمای ساختمان راسا اقدام کند و هزینه‌های مترتب را به‌طور قانونی از متخلف) بستاند.

نگارنده بارهاوبارها شاهد بوده است که مالکان با نصب سامانه‌های سرمایش بر جداره ملک خود مشرف بر پیاده‌راه و نصب تابلوهایی به مساحت ملکشان بر نمای شهری علاوه بر تخریب و ایجاد آلودگی بصری، با مواجهه با طرح ساماندهی نما و منظر با تکیه بر استنباط شخصی و در غیاب زیرساخت حقوقی نما و منظر شهری با ممانعت از اجرای طرح ساماندهی، اقدام به طرح دعوی در دادگستری کرده‌اند. از آن‌سو نیز بارها شاهد بوده است که اندک اصلاحی در بلمان شهری به سود انسان که در تعارض با خودرو بوده، با واکنش حذفی مدیران شهری با استدلال به اولویت‌بخشی به گردش و حرکت و دید خودرو حذف شده است.

امید است مدیران شهری با اصلاح نگرش خود به مدیریت شهری مبتنی‌بر شهر انسان‌محور (برخلاف نگرش فعلی خودرومحور) رویکرد فعالیت‌هایشان را از خودرو به شهروند دارای حقوق نما و منظر معطوف کنند. به‌این‌ترتیب می‌توان امیدوار بود که با تنظیم یک لایحه و تصویب در شورای اسلامی شهر تهران و ارجاع به شورای‌عالی استان‌ها، با ارائه طرح نما و منظر شهری به مجلس شورای اسلامی و تصویب آن، این نقیصه حقوقی که بلای شهرهای‌مان شده، برطرف شود.

یادداشت

هزاران اسم در یک میدان



عبداللّه انوار

سخت است سخن گفتن درباره میدانی که شمایل امروزی‌اش کاملاً متفاوت است با آنچه ۱۷۰ سال پیش با کنار هم قرارگرفتن سه باغ بزرگ به وجود آمده بود. آنچه امروز میدان بهارستان خوانده می‌شود، در میانه‌های عصر قاجار، فضای مشجری بود از درختان بلند و سرسبز آن باغ‌ها که شهره عام و خاص بودند و امروز، میدانی است شهری که برخی آن را با خاطره‌های دورشان همچنان به یاد دارند.

شمال میدان بهارستان؛ همان‌جایی که اکنون ساختمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قرار دارد، باغ سرسبز و سلطنتی نگارستان بود که آب سرشاری از میانه آن می‌گذشت. این باغ، خاطره‌هایی شیرین را به‌همراه یک واقعه تلخ با خود به امروز آورده است. در همین باغ نگارستان بود که میرزا ابوالقاسم فراهانی (قائم‌مقام فراهانی)، صدراعظم بزرگ محمدشاه قاجار، به دستور شاه کشته شد. پایین‌تر از این باغ، در جنوب میدان بهارستان، باغ پراوازه نظامیه جای داشت که از آن میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، بود. این باغ بزرگ به گفته یکی از نوادگان بازماندگان میرزا آقاخان، بیش از ۵۰ هکتار بود و تپخانه می‌رسید. آب قنات صدرآباد که به دستور صدراعظم ایجاد شده بود، درختان این باغ را آبیاری می‌کرد.

باغ نظامیه در دوران ناکامی میرزا آقاخان تکه‌تکه شد و به فروش رسید؛ آنچه از آن باغ بزرگ به یادگار مانده، محله‌ای است که نظامیه نامیده می‌شود. هنوز از تک‌درختان بزرگ و کهن این محله می‌توان دریافت که باغ نظامیه چه روزگار کامیابی داشته است. باغ سردار اما در کنار این دو باغ، هم شهرت بیشتری داشت. هم کهن‌تر بود. باغ سردار در شرق میدان بهارستان، در جایی که امروز بخشی بزرگ از خیابان تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد، جای داشت. چهارراه آب‌سردار در تقاطع خیابان‌های ایران و مجاهدین اسلام، امروز، یادگار قنات و آب مشهوری است که باغ ۸۰ هکتاری سردار را سیراب می‌کرد و به مناطق پایین‌دست سرازیر می‌شد. این باغ در تلطیف هوای تهران روزگار قاجار تأثیر فراوانی داشت. محمدحسن‌خان قزوینی‌ایروانی معروف به ساری‌اصلان، از سرداران ایران در جنگ‌های ایران و روس در عهد فتحعلی‌شاه قاجار، مالک و پدیدآورنده این باغ بزرگ بود. یکی از عادت‌های ناصرالدین‌شاه قاجار، سیرزدن به باغ‌ها و عمارت‌های مشهور و بزرگ تهران بود.

از رخدادها و خاطره‌های باغ سردار می‌توان به حضور شاه قاجار در آن اشاره کرد. حدود ۴۰ محصل است و تا همین چندماه پیش، از کاهگل بود. یکی از مالکانی که پذیرفته مغازه بزرگش را با اصول تاریخی این میدان در گذشته بازسازی کند، می‌گوید: «زیباسازی این خانه‌ها و مغازه‌ها، هیچ حسنی که نداشته باشد، مردم را دوباره با میدان بهارستان آشتی می‌دهد. اینجا یک زمانی مهم‌ترین میدان شهر بوده و خیلی از کسبه و مردم به اینجا رفت‌وآمد داشته‌اند، حالا باید کاری کنیم که دوباره آنها به اینجا بیایند و آن را مثل یک مکان تاریخی ببینند، این کار روی بازار این محدوده هم تأثیر دارد». این پروژه اما مزیت‌های دیگری هم برای مردم میدان بهارستان و اهالی تهران دارد و آن هم آشناشدن با تاریخچه مکان رویدادهای دوره‌های مهم تاریخی این شهر است؛ از خانه‌ای احمدشاهی در حاشیه میدان گرفته تا کافه لوغانطه، از ملکی که اکنون در تصرف بانک مرکزی است تا عمارتی که نیروی انتظامی اجازه بازسازی نمای آن را به این سازمان داده است. میدان بهارستان، میدان مهمی است؛ این را می‌شود به روایت چند ستونی که به یادبود مهم‌ترین اتفاقات این میدان در حاشیه آن بنا شده دریافت اما سؤال اینجاست که اگر آن خانه‌های قدیمی و اگر آن منظره‌های شهری وجود نداشته باشند چطور می‌شود خاطره آنها را زنده نگه داشت؟



۶ نکته خواندنی از میدان بهارستان به بهانه ثبت این میدان در فهرست آثار ملی

بهارِ من گذشته شاید

مردم جلو مجلس چنان ترافیکی راه می‌اندازد که بیا و ببین». ساختمان‌های چسبیده به مجلس هم همگی مهم و در نوع خود منحصربه‌فردند اما عجیب اینجاست که مردم به‌جای دیدن آنها، مدام برای پیداکردن ساختمان مجلس، این‌طرف و آن‌طرف سرک می‌کشند».

دیدار با غواصان دست‌بسته در بهارستان

هرچه هم که این میدان تاریخی باشد، باز در بطن جامعه امروز، مکانی برای خود دست‌وپا کرده؛ مکانی که به یک نماد بدل شده است. تابوت‌هایی که روی دست صدها هزار ایرانی تشییع می‌شدند، یکی از بهترین تصاویر این حضور است. ۲۶ خرداد سال گذشته، یکی از بزرگ‌ترین مراسم‌های تشییع پیکر شهدا در بهارستان برگزار شد. شهدای دست‌بسته غواص که پس از کشف پیکرهایشان در نزدیک اروندرود به خبر نخست رسانه‌های دنیا بدل شدند، در یکی از باشکوه‌ترین تشییع‌چانه‌های تهران، خود را در میدان بهارستان به آغوش مردم بازگرداندند. بزرگی این مراسم به حدی بود که میدان بهارستان ساعت‌ها قبل از ورود تریلی‌های حامل پیکرهای پاک شهدا، بسته شده بود و صدها هزار نفر زن و مرد ایرانی سیاه‌پوش، میدان را برای حضور غواصان دست‌بسته آماده کرده بودند. کوچه‌هایی مانند «بهشت» پر از حله‌هایی بود که مردم خود به راه انداخته بودند و در خیابان‌های منتهی به میدان، مردم شهرهای مختلف به برگزاری آیین‌های قومی سوگواری خود پرداختند. خاطره آن روز از ذهن میدان بهارستان پاک‌شدنی نیست.

تاریخ تهران در نگاتیوهای تهامی

از ۶۰ سال سن و حافظه‌ای که جزئیات تهران نیم‌قرن پیش را به خاطر سپرده اما این فقط مربوط به حافظه خودش است، چراکه عکس‌های عکاسخانه‌اش، لاقل از دوره قاجار، خاطره رای تعریف‌کردن دارند. اگر هوس کردید، عکسی از تهران قدیم در خانه داشته باشید، همه آدرس به یک‌جا ختم می‌شود؛ بهارستان، بالاتر از میدان، به سمت سرچشمه. شلوغ‌ترین ووترین حاشیه خیابان را انتخاب کنید و مراقب باشید که لذت دیدن عکس‌ها را از دیگران نگیرید، چراکه جلو ووترین تهامی، از هر سن و قماش، آدم ایستاده‌اند تا چهره تهران قدیم را ببینند؛ مراسم فلک‌کردن در کلاس‌های اکابر آن زمان، جوی‌های بزرگ آب کرج و عروسی‌های عجیب‌غریب انتهای دوره قاجار. در عکس‌های تهامی می‌شود چهره دلاک‌ها، گرمابه‌دارها، قاچوق‌تیک‌رها، ساربان‌های شتر تهران و دیگر مشاغل‌ی را دید که امروز وجود خارجی ندارند اما در این عکس‌ها که در گنجی به عکاسخانه جمع شده‌اند می‌توان ردپایشان را پیدا کرد. جالب اما اینجاست که تهامی می‌گوید برخلاف ایرانی‌های قدیم، ایرانی‌های امروز، عکس‌گرفتن در آلبیه‌های عکاسی را

روزشمار بهارستان:

- ۱۳ بهمن ۱۲۸۶: تجمع اهالی نظام در مدرسه سپهسالار و قسم برای عدم خلاف مشروطه
- ۲۸ خرداد ۱۲۸۷: تعطیلی بازار تهران و تجمع بازاریان در بهارستان و مخالفت با محمدعلی شاه
- ۲ تیر ۱۲۸۷: به‌توب‌یستن مجلس به فرمان محمدعلی‌شاه
- ۲۲ تیر ۱۲۸۸: شکست قوای دولتی از مجاهدان و مشروطه‌خواهان و ورود آنها به تهران.
- ۲۸ مرداد ۱۲۹۵: تجمع تجار و کسبه تهران در مسجد شاه و مسجد سپهسالار در اعتراض به تصمیم احمدشاه برای رقتن از تهران
- ۱۲ تیر ۱۳۰۳: ترور سیدمحمدرضا میرزاده‌عشق‌ی مدیر مجله قرن بیستم در س‌راه سپهسالار در منزل خود
- ۲ مهر ۱۳۰۴: تظاهرات زنان تهرانی در میدان بهارستان
- ۱۵ اسفند ۱۳۱۳: تجمع دانشجویان و مردم برای بازگشت دکتر محمد مصدق به مجلس و درگیری و زدوخورد با نظامیان
- ۳۰ آذر ۱۳۱۹: اجتماع دانشجویان در میدان بهارستان در دفاع از ملی‌شدن صنعت نفت
- ۲۵ مرداد ۱۳۲۲: تظاهرات بزرگ در میدان بهارستان با سخنرانی دکتر فاطمی درباره لغو نظام سلطنتی
- ۲۸ مرداد ۱۳۲۲: تظاهرات در تهران و از جمله بهارستان در مخالفت و موافقت با مصدق و شاه شکل تازه به خود گرفت و ارتش از فرمان نخست‌وزیر سرپیچی کرد.
- ۱۴ مرداد ۱۳۳۴: جشن پنجاهمین سال مشروطیت، باشکوه در باغ بهارستان با حضور ۲۵ نماینده از کشورهای اسلامی برگزار شد.
- ۵ بهمن ۱۳۵۷: در پی اعلام قبلی براساس گزارش خبرنگاران صد تا ۱۵۰ هزار نفر از طرفداران قانون اساسی و سوسیال‌دموکراسی از ۹ صبح وارد میدان بهارستان شدند و پس از ایراد چند نطق، قطع‌نامه‌ای در هفت ماده قرائت شد.

سعید برآبادی: اگر قرار باشد یک نقطه را در نقشه تهران انگشت بگذارید که هم فال است و هم تماشا، هم تاریخ است و هم آینده، هم اقتصاد است و هم سیاست، هم تجارت دارد و هم رونق، آنجا فقط‌و‌فقط یک نقطه است؛ میدان بهارستان. درست جایی که حاجی مجلس در ردای سیمانی خود روی یک سکو نشسته و با انگشت اشاره ساختمان قدیمی مجلس را نشان می‌دهد، همان جایی است که بخشی از تاریخ تهران، لاقل از صد‌خونده‌ای‌سال پیش هنوز زنده است و نفس می‌کشد و شاید بشود برای امتداد حیاتش، دست به کاری زد. اینجا یک روی سکه میدان بهارستان هستند که بوی تاریخ می‌دهند، روی دیگر سکه، زندگی و حیات است، هزاران موتورسیکلت و صدها هزار تاکسی و ماشین هرروز دور این میدان می‌چرخند تا خون اقتصاد را از رگ‌های خیابان سعدی، سپهسالار، پل چوبی و… ببرند به بازار و امین‌حضور و هزار نقطه دیگر. بهارستان یک شریان زنده مذهبی- سیاسی هم هست؛ تشییع چانه‌های بزرگی در این نقطه از تهران رقم خورده، بزرگداشت‌های میلیونی در همین میدان برگزار شده و از همه مهم‌تر، جایی است که هنوز می‌شود ردپای نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی را در آن پیدا کرد. دوم تیرماه هرروز، قلب تمایل ایران برای رسیدن به دموکراسی، یاد زخم گلوله‌های توپ گریب‌دوف را زنده می‌کند؛ ۱۰۸ سال پیش، مجلسی که نماد اولین تلاش‌ها برای استقرار مشروطه در ایران بود در همین میدان به توپ بسته شد و حالا، نه‌تنها میدان هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد و ساختمان‌هایی از دوران‌های احمدشاهی و پهلوی دارد بلکه پر از نکته‌های اعجاب‌آور و اولین‌ها در تهران است. با این همه به نظر می‌رسد در شرایطی که این میدان در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده، ساخت و سازهای مجلس و بی توجهی نهادهایی مانند بانک مرکزی به آثار باقی مانده در حوالی این میدان، بهار گذشته بهارستان را یادآوری می‌کند.

سماورا هنوز قل می‌کنند

اگر هنوز دنبال سماور برای خانه می‌گردید، هیچ جایی در تهران مثل میدان بهارستان پیدا نخواهید‌کرد که بورس فروش این وسیله ازمدافنده باشد. سال‌هاست که هجوم کتری‌ها و چای‌سازهای برقی، رونق سماورا را از این پرده و در کمتر خانه امروزی‌ای می‌توان، س‌راغی از سماورهای برنجی، مسی یا حتی آهنی گرفت اما در میدان بهارستان نه‌تنها چندین مغازه به کار فروش سماور مشغولند بلکه حتی می‌توانید آنچه که می‌خواهید را بر اساس سلیقه خود انتخاب کنید. هادی، یکی از فروشنده‌های سماور در پشت ساختمان وزارت ارشاد، می‌گوید که «اصلی‌ترین مشتری‌هایش آت‌هایی هستند که دنبال جنس آتیک می‌گردند»، چراکه به گفته او، حالا سماورهای قدیمی به یکی از اشیای تزئینی خانه‌ها بدل شده‌اند. قیمت سماورا از ۴۰۰، ۳۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا چند میلیون قیمت می‌خورند، بستگی به این دارد که مشتری دنبال چیست؛ اگر آمده تا برای هیات و حسینیه سماور تهیه کند، باید دنبال سماورهای فلزی ارزان باشد و اگر قرار است برای دیزاین خانه، سماور کوچک و تزئینی بخرد، گاه باید چندمیلیون‌تومان پول توی کارت‌ش داشته باشد؛ «عمده خریدار‌ها ما همین دو دسته هستند. دسته اول معمولاً از طریق آگهی ما را پیدا می‌کنند و سماور را برای مصارف خیریه یا کارگاهی می‌خواهند. این دسته به کیفیت و استحکام سماور توجه می‌کنند اما دسته دوم روافع آمده‌اند که سماور لوکس بخرند. این دسته بیشتر مسافران و توریست‌ها هستند چون بعضی از سماور‌هایی که ما داریم حتی از سماور‌های بازار اصفهان یا یزد هم ارزان‌ترند».

بهارستان جایی برای قانون، جایی برای اعتراض

میدان بهارستان جایی است که اگر صبح‌ها بایستی در حاشیه خیابان، می‌توانی نماینده‌های مجلس را ببینی که با ماشین‌هایشان به سمت پارکینگ مجلس می‌روند. حتی هندوانه‌فروش ابتدای خیابان مصطفی‌خمینی هم می‌گوید که «بارها، نماینده‌های مجلس را دیده که صبح‌ها به سر کار می‌روند و شب‌ها به سوی خانه روانه می‌شوند». نام مجلس بیش از صدسال است که با بهارستان پیوند خورده. ساختمان قدیم به ساختمان جدید بدل و هرمی در آن سبوی میدان از جنس شیشه پدیدار شد تا نمایندگان مجلس را در چند دوره اخیر گرد هم آورد؛ ساختمانی که در زمان احداث خود چندان بی‌جنجال نبود و در طول دوره‌های فعالیت مجلس نیز حال‌واحوال پرخاشیه‌ای داشت. عمورجب که سال‌هاست در همین جا، هندوانه‌فروش است انگار بهتر از خیلی‌های دیگر، وضعیت میدان بهارستان و اهمیت مجلس را می‌داند: «بیشتر روزها، اول خیابان مجاهدیه اسلام- یعنی ضلع شمالی میدان بهارستان- مردم تجمع می‌کنند، کارگرا هستند، بازنشسته‌ها، آدم‌هایی که پولشان را سرمایه‌گذاری کرده‌اند روی ملک و حالا مالک فرار کرده. اینجا می‌آیند که با پلاکارد یا شعار، صدایشان را به گوش نماینده‌های خود برسانند. اغلب هم جوابی نمی‌گیرند، یعنی قضیه فیصله داده می‌شود و بعد دوباره چندماه بعد می‌آیند». رجب می‌گوید که همین‌ها، میدان را دچار ترافیک می‌کند؛ ترافیکی که گاه چند دقیقه‌ای راه‌بندان را به همراه دارد؛ «اگر به نقشه نگاه کنید، مجلس، یک میدان بزرگ است در کنار میدان بهارستان، خیلی‌ها از این مسیر می‌روند و شب‌ها و‌اقعا شلوغ است اما بعضی‌وقت‌ها تجمع